با مردم
شماره تلفن ارتباطی با خوانندگان
۰۲۱۲۳۰۲۳۳۳۷

وضعیت لوله‌های آب بوستان‌ها و پارک‌های شهری بررسی شود

با فرارسیدن فصل تابستان و با وجود کم آبی و خشکسالی در کشور، در بعضی از بوستان‌های سطح شهر لوله‌ها و شیرهای آب که برای آبیاری گیاهان از آنها استفاده می‌شود مشکل دارند و روزانه آب زیادی را هدر می‌کنند. بارها شاهد ترکیدن لوله در جاهای مختلف شهر بوده‌ام و به شهرداری هم اطلاع دادم تا رسیدگی شود. از مردم هم خواهش می‌کنم اگر در بوستان‌ها با خرابی لوله و شیرهای آب مواجه شدند به شهرداری اطلاع دهند تا از اسراف آب در فصل کم آبی جلوگیری شود. از شهرداری هم تقاضا دارم این لوله و شیرهای خراب را شناسایی و آنها را تعمیر یا تعویض کند.

پویا از تهران

بیمارستان اعصاب و روان به محدوده‌های سرسبز خارج شهر منتقل شود

بیمارستان اعصاب و روان و توانبخشی نور داخل شهر اصفهان است که هم در مرکز شلوغی‌هاست که برای بیماران خوب نیست و هم از جهت برخی مسائل که بعضا ایجاد می‌شود مناسب نیست. بهتر است چنین بیمارستان‌هایی به بیرون شهرها و نقاط آرام و سرسبز شهرها منتقل شوند.

احمد کامکار از فریدن اصفهان

روشنایی خیابان صاحب جمع کافی نیست

روشنایی خیابان صاحب جمع نرسیده به چهارراه مولوی، بسیار کم است و این موضوع برای خودروها و موتورسیکلت‌هایی که هنگام شب در این مسیر تردد می‌کنند بسیار خطرناک است و موجب تصادف می‌شود.

صاحبدل از تهران

پیامک
ارسال پیام کوتاه خوانندگان
۰۲۱۲۳۰۲۳۹۱۶

نظارتی برای چادرزنی و اقامت‌های موقت نیست

جنگل‌های شمال کشور متأسفانه ماوا و محل برخی افرادی شده که یا بودجه اقامت در مکانی زیرنظر میراث فرهنگی ندارند یا اینکه نمی‌خواهند به چنین مکان‌هایی پا بگذارند. جا دارد مسئولان مکان‌هایی برای شب مانی و چادرزنی درنظر بگیرند و جلوی موارد مشکوک و هنجارشکنی را بگیرند که این امر به عفت عمومی جامعه بیشتر کمک خواهد کرد.

عفتی از تهران

رودخانه‌های بروجرد را خشکانده‌اند

بروجرد ۲ رودخانه دائمی دارد که هزاران سال است پر آب بوده و روستاها، دشت بروجرد و شهر دورود را آبیاری می‌کنند. در چند سال اخیر عده‌ای سودجو با استفاده از موتور پمپ و لوله‌های پلاستیکی، اقدام به انتقال آب این رودخانه‌ها به بالای کوه و تپه کرده و در آنجا ویلاهای استخردار و باغات آب به راه انداخته و موجب کم آبی و خشک شدن رودخانه و دشت بروجرد شده‌اند. از مسئولان درخواست داریم تا هر چه زودتر به این وضعیت رسیدگی کنند و مانع از خشک شدن رودخانه‌هایی با این قدمت شوند.

گودرزی، مرادی، نظام اسلامی از بروجرد

وسایل ایستگاه‌های تندرستی نیازمند مرمت و بازسازی است

برخی وسایل نصب شده در ایستگاه‌های تندرستی شهر تهران به‌خصوص آنها که قبل‌تر بنا شده‌اند فرسوده شده و نیازمند مرمت، رنگ آمیزی و بازسازی و حتی تعویض است. تقاضا می‌شود مسئولان به این مهم توجه کنند.

راهبر از تهران

پیام @
تلگرام با مردم @bamardom_hamshahri

قبل از تخلیه باید تکلیف کسبه پاساژ آزاد مشخص شده باشد

مسئولان تصمیم گرفته‌اند پاساژ آزاد در سه راه جمهوری را به‌دلیل ناایمن بودن تخلیه کنند. این پاساژ بورس تولید و فروش لباس عروس است و قبول داریم که با قدمتی نزدیک به ۶۰سال فرسوده و نیازمند بازسازی است. خود ما بارها به‌دلیل ریزش سقف و شیشه ترسیده و آسیب دیده‌ایم و تصمیم درخصوص تخلیه پاساژ را کاملا درست می‌دانیم اما قبل از آن توقع داریم تکلیف کسبه پاساژ مشخص شود. قرار است طی چند روز آینده پاساژ تخلیه شود و ما هنوز در استقرار در محل دیگر بلاتکلیفیم.

رضایی از تهران

پاسخ مسئولان

تعریض و بهسازی جاده حارث آباد به روداب در دست اجراست

روابط عمومی سازمان راهداری و حمل‌ونقل جاده‌ای کشور پیرو چاپ پیام مردمی با عنوان «جاده حارث آباد به روداب مرمت شود» در ستون با مردم روز اول خردادماه پاسخ داده است: «ضمن سپاس از انعکاس دیدگاه‌ها و نقطه نظرات هموطنان و ظرفیت ایجاد شده برای پاسخگویی به مردم به استحضار می‌رساند: « ۲۰کیلومتر از محور سبزوار —حارث آباد —روداب با مشارکت کارخانه سیمان تعریض، بهسازی و آسفالت شده و هم‌اکنون نیز عملیات تعریض و بهسازی ۱۰کیلومتر باقی مانده از مسیر توسط اداره کل راهداری و حمل‌ونقل جاده‌ای استان خراسان رضوی در حال انجام است. همچنین در راستای انجام وظایف سازمانی عملیات راهداری جاری در طول این مسیر به‌صورت مستمر انجام می‌شود. با وجود این موضوع به اداره کل راهداری و حمل‌ونقل جاده‌ای استان خراسان رضوی جهت بررسی و رسیدگی امور اعلام شده است.»

مردی که ۸روز در چاه قنات گرفتار بود با کمک آتش‌نشانان نجات یافت

نجات باورنکردنی از چاه

گزارش

«حسین از وقتی که همسرش طلاق گرفت و فرزندشان را با خودش برد، حال و روز خوبی نداشت. همیشه توی خودش بود و یک شب که از ناراحتی راهی بیابان شده بود، به داخل چاه سقوط کرد و ناپدید شد تا اینکه بعد از ۸روز یک معجزه او را به ما برگرداند». اینها را یکی از آشنایان مرد جوانی می‌گوید که ۸روز در چاه قناتی در بیابان‌های روستای خورمیز در حوالی شهرستان مهریز گرفتار بود و صبح دیروز با کمک آتش‌نشانان و مردم محلی به طرز معجزه‌آسایی نجات یافت. قناتی که حسین به داخل آن سقوط کرده بود ۱۲متر عمق داشت و کاملا خشک بود و هنوز هم معلوم نیست که این مرد ۲۸ساله چگونه توانسته در همه این مدت دوام بیاورد و زنده بماند.

به گزارش همشهری، ماجرایی که برای حسین زارع رخ داد، شامگاه ۲۶تیرماه رقم خورد. مرد جوان از مدت‌ها قبل‌تر از آن زندگی‌اش دگرگون شده بود. یعنی از زمانی که همسرش از او طلاق گرفت و دست فرزندشان را گرفت و با خودش برد. از آن پس اهالی روستا هرگز حسین را مثل قبل ندیدند. او افسرده شده بود و همیشه توی خودش بود و حتی کار به جایی کشیده بود که داروی اعصاب و روان استفاده می‌کرد. تا اینکه شب قبل از عید غدیر، به بهانه قدم زدن از خانه بیرون رفت و دیگر خانواده‌اش او را ندیدند. آن شب تا صبح از مرد جوان خبری نشد. خانواده‌اش نگران بودند که مبادا اتفاق تلخی برایش رخ داده باشد. برای همین به جست‌وجو برای پیدا کردن او پرداختند اما هیچ ردی از وی نبود. تنها سرنخی که از حسین بود، حرف‌های یکی از محیط‌بان‌ها بود. او ظهر روز بعد حسین را دیده بود که در بیابان پیش می‌رود و هیچ‌کس همراه وی نبود.

جست‌وجو در بیابان

ناپدید شدن مرد جوان با وضعیت روحی‌ای که داشت خانواده‌اش را بیشتر نگران کرده بود. برای همین وقتی نتوانستند ردی از وی پیدا کنند، با پلیس، هلال‌احمر و آتش‌نشانی تماس گرفتند و درخواست کمک کردند. از آن به بعد بود که با حضور تیم‌های جست‌وجو تلاش برای پیدا کردن مرد گمشده شروع شد.

یکی از آشنایان مرد گمشده در گفت‌وگو با همشهری می‌گوید: پدر حسین چند سال پیش فوت کرده بود و او از زمانی که از همسرش جدا شد، با مادرش زندگی می‌کرد. مادر، برادر و خواهرهای حسین خیلی نگران او بودند و در این مدت به هر دری زدند تا شاید ردی از وی پیدا کنند. آنها نه‌تنها از تیم‌های امدادی کمک گرفتند بلکه اقدام به انتشار اعلامیه هم کردند اما روزها می‌گذشت و هیچ خبر امیدوارکننده‌ای از جوان گمشده نبود.

هر چند تیم‌های جست‌وجوی هلال‌احمر نیز برای پیدا کردن حسین وارد عمل شده بودند اما به‌گفته اهالی روستا امکانات زیادی نداشتند. مرد جوان می‌گوید: آنها مثلا سگ زنده‌یاب نداشتند که اگر داشتند حتما می‌توانست کمک زیادی به پیدا کردن حسین بکند. با این حال آنها با همان امکانات کم روزها در بیابان به‌دنبال جوان گمشده می‌گشتند و شب که می‌شد عملیات جست‌وجو متوقف می‌شد.

جلسه خانوادگی

یک هفته از گم شدن جوان ۲۸ساله می‌گذشت و تلاش مردم محلی و تیم‌های امدادی برای پیدا کردن او فایده‌ای نداشت. بیابان‌های اطراف روستای خورمیز پر از قنات و چاه‌هایی است که به قنات منتهی می‌شود اما جست‌وجو در داخل این چاه‌ها هم بی‌فایده بود. هر چند با گذشت زمان امیدها برای پیدا کردن مرد گمشده کم‌رنگ شده بود، اما اعضای خانواده او یکشنبه‌شب دور هم جمع شدند و تصمیم گرفتند از صبح دوشنبه مسیری جدید را جست‌وجو کنند. آنها حدس می‌زدند که حسین به داخل یکی از چاه‌های قنات افتاده باشد و صبح دیروز و با روشن شدن هوا، راهی قناتی شدند که تا پیش از آن به سراغش نرفته بودند.

آشنای خانوادگی آنها می‌گوید: مادر، برادر، خواهر و دامادهای حسین از صبح زود جست‌وجو را شروع کردند. وقتی به قنات مورد نظر رسیدند، چاه اول را گشتند و اسم حسین را صدا زدند اما جوابی نگرفتند. به سراغ چاه دوم، سوم و چهارم هم رفتند اما خبری از او نبود. هر کدام از این چاه‌ها که منتهی به قنات خشک و بی‌آب هستند، در فاصله ۱۰۰تا ۲۰۰متری از هم قرار دارند. آنها به چاه پنجم که رسیدند و جوان گمشده را صدا زدند، صدایی شنیدند. صدایی شبیه ناله. با کمک چراغ قوه داخل چاه را دیدند اما اثری از حسین نبود. با این حال صدای ناله او همچنان به گوش می‌رسید. آنجا بود که مطمئن شدند حسین در تونل قناتی که از عمق چاه می‌گذرد گیر کرده است. یکی از اهالی با طناب به پایین چاه رفت و وقتی داخل تونل را دید، متوجه شد که جوان گمشده در تونلی که شاید قطر آن به ۳۰سانتی‌متر هم نمی‌رسید گیر کرده است.

اعزام تیم نجات

خانواده حسین ماجرا را به آتش‌نشانی گزارش کردند و دقایقی بعد تیمی از آتش‌نشانان شهرستان مهریز راهی محل حادثه شدند. یکی از آتش‌نشان‌ها به همشهری می‌گوید: وقتی به محل حادثه رسیدیم، متوجه شدیم جوانی در تونلی باریک در عمق چاه قنات گیر کرده است. ظاهرا این جوان از ۸روز قبل‌تر گم شده بود و برای نجات او دست به‌کار شدیم و با ایجاد کارگاهی در دهانه چاه، نیروهای نجات وارد آن شدند و با استفاده از کلنگ شروع به کندن دیواره‌های تونلی کردند که به چاه منتهی می‌شد. آنها حدود یک متر آنجا را کندند تا اینکه به مرد جوان که در تونل گیر کرده بود رسیدند. پس از آن به کندن دیواره‌های تونل ادامه دادند و پس از حدود ۳ساعت عملیات نفسگیر موفق شدند مرد جوان را زنده از داخل چاه بیرون کشیده و با کمک اورژانس به بیمارستان منتقل کنند.

لحظه بیرون کشیدن جوان ۲۸ ساله از چاه پس از ۸روز

یک معجزه

مرد جوان پس از انتقال به بیمارستان تحت درمان قرار گرفت و معلوم شد که هیچ صدمه و آسیب جدی ندیده است. آشنای خانوادگی آنها می‌گوید: حسین هیکل بزرگ و قوی‌ای دارد. شاید به همین دلیل توانسته همه این مدت را در داخل چاه دوام بیاورد. وقتی به بیمارستان رفتم، پزشکان گفتند که از خطر مرگ نجات یافته است. او می‌توانست حرف بزند و برای خانواده‌اش تعریف کرده بود که بعدازظهر ۲۷تیرماه، زمانی که در بیابان پیش می‌رفته، ناگهان به داخل یکی از چاه‌های قنات سقوط کرده و نتوانسته بالا بیاید. پس از آن برای نجات خودش شروع به پیشروی در تونل قنات کرده تا شاید به چاهی برسد که بالا آمدن از آن راحت باشد. او همینطور در تونل پیش رفته تا اینکه به جایی رسیده که تونل تنگ و تنگ‌تر شده. آنقدر تنگ که دیگر نه می‌توانسته جلو برود و نه عقب. حسین همانجا گیر کرده بود و در همه این روزها در حالت درازکش در تونل گرفتار بوده تا اینکه سرانجام خانواده‌اش او را پیدا کردند و با کمک آتش‌نشانان و مردم روستا به طرز معجزه‌آسایی نجات یافت.

کشف جسد آخرین قربانی سیل

۳روز پس از سیلاب مرگبار استهبان، با کشف پیکر دختری یک و نیم ساله که آخرین مفقودی این حادثه تلخ بود، عملیات جست‌وجو به پایان رسید.

به گزارش همشهری، طغیان رودخانه رودبال استهبان در روز جمعه گذشته، حادثه تلخی را در منطقه سلطان شهباز این شهرستان رقم زد و جان ۲۱نفر را گرفت. قربانیان این حادثه شامل ۱۱زن، ۴مرد و ۶کودک و همگی از گردشگرانی بودند که از شهرهای اطراف برای لذت بردن از طبیعت منطقه ۵ سلطان شهباز در یک روز آفتابی راهی آنجا شده بودند که سیل غافلگیرشان کرد. علاوه بر این قربانیان که پیکر اغلب آنها چند ساعت پس از سیل کشف شد، دختری یک و نیم ساله در این سیل مفقود شده بود که هیچ‌کس از سرنوشت او اطلاعی نداشت. با این حال چندین تیم به جست‌وجوهای شبانه روزی خود برای او ادامه دادند تا اینکه سرانجام روز گذشته (دوشنبه) پیکر بی‌جان او کشف شد. خلیل عبداللهی، مدیرکل مدیریت بحران استانداری فارس درباره این حادثه گفت: این سیل بر اثر بارش باران در نی‌ریز و لایزنگان داراب اتفاق افتاد و رودخانه رودبال در عرض مدت ۳۰دقیقه طغیان کرد. این حادثه به‌دلیل آفتابی بودن منطقه برای گردشگران غیرقابل باور بود و در این حادثه ۳هزار نفر گرفتار شدند که بیشترشان همان زمان توسط نیروهای امدادی و مردم محلی از محل دور شدند و ۵۵نفر نیز از مرگ حتمی نجات یافتند. او در ادامه گفت: اجساد قربانیان به‌تدریج کشف شد و پیکر ۲ کودک پیدا نشده بود که یکی از آنها روز یکشنبه و پیکر دختری یک و نیم ساله که خانواده او در سیل جان باخته‌اند نیز ساعت ۷:۳۰دقیقه صبح دوشنبه کشف شد. با تکمیل شدن آمار مفقودین این سیل، عملیات جست‌وجو پایان یافت و با تکمیل گزارش پزشکی قانونی و صورتجلسه نهایی پرونده سیل استهبان بسته شد.

مرد جوان بعد از ۷سال از کابوس قصاص نجات یافت

پایان شیرین در پرونده قتل به خاطر یک میله آهنی

دادسرا

جوانی که بخاطر یک تکه میله آهنی با مرد سالخورده‌ای که در کار جمع‌آوری ضایعات بود درگیر شده و باعث مرگش شده بود ۷سال پس از این حادثه در شرایطی که حکم قصاصش قطعی شده بود بدون هیچ قید و شرطی از سوی اولیای دم بخشیده شد.

به گزارش همشهری، عصر روز ۲۸بهمن ماه سال ۹۴ به قاضی سیدمجتبی حسین‌پور، بازپرس جنایی وقت پایتخت خبر رسید که در جریان درگیری ۲نفر در جنوب تهران، یکی از آنها که مردی سالخورده بود مجروح شده و ساعتی پس از انتقال به بیمارستان جان خود را از دست داده است. عامل این درگیری جوانی ۳۴ساله بود که دقایقی پس از حادثه در محل توسط پلیس بازداشت شده بود. آنطور که شواهد نشان می‌داد متهم و مقتول بر سر جمع‌آوری ضایعات با یکدیگر درگیر شده بودند و او با یک میله آهنی بر سر مقتول کوبیده و جانش را گرفته بود. با این حال وقتی او در برابر بازپرس جنایی قرار گرفت منکر این ضربه مرگبار شد و روایت دیگری را تعریف کرد.

متهم در اعترافاتش گفت: مدتی قبل از شهرستان برای کار به تهران آمدم و به تنهایی زندگی می‌کردم. با سختی زیادی توانستم به‌طور قسطی یک موتورسیکلت بخرم و با آن به‌عنوان پیک موتوری کار کنم. زندگی سختی داشتم و این اواخر با خراب شدن موتورم شرایط برایم سخت‌تر هم شد. نه‌تنها برای تعمیر موتورم پولی نداشتم، بلکه بعد از چند روز هیچ پولی برای اینکه غذا بخرم هم باقی نمانده بود.

متهم درباره روز حادثه گفت: آن روز گرسنه بودم و دنبال وسیله‌ای بودم تا بفروشم و با آن غذا بخرم. در خانه یک میله آهنی پیدا کردم و آن را برداشتم تا به‌عنوان ضایعات بفروشم و شکمم را سیر کنم. در نزدیکی خانه‌ام سراغ یک سطل زباله رفتم و داخل آن دنبال ضایعات بودم. آن موقع بجز من مقتول هم آنجا بود و در بین زباله‌ها دنبال وسیله‌ای باارزش می‌گشت تا اینکه ناگهان میله آهنی را از دستم قاپید. او می‌گفت میله‌ای را که من از خانه‌ام آورده بودم برای اوست و بر سر همین موضوع با یکدیگر درگیر شدیم. در این بین او را هل دادم و روی زمین افتاد و همه زباله‌ها هم رویش ریخت. و بعد هم فهمیدم که او فوت شده است. من ضربه‌ای به سرش نزدم و قصد کشتن او را نداشتم و نمی‌دانم که او چطور جانش را از دست داد. با وجود انکارهای متهم درخصوص قتل اما همه شواهد و مدارک نشان می‌داد او عامل قتل مرد سالخورده است. در این شرایط بود که پرونده اتهامی او با صدور کیفرخواست به دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد. او مدتی بعد در شعبه دهم دادگاه به اتهام قتل عمدی محاکمه و با درخواست اولیای دم به قصاص محکوم شد و با قطعی شدن این رأی در دیوان عالی کشور، پرونده به شعبه دوم اجرای احکام دادسرای امور جنایی فرستاده شد. ۷سال زندگی در زندان از متهم مرد دیگری ساخته بود. او در زندان به یکی از زندانیان نمونه تبدیل شده بود. در اغلب کلاس‌های فرهنگی شرکت می‌کرد و هیچ‌کس ندیده بود که کار خلافی از او سر بزند. همین تغییر رفتار متهم باعث شد تا مسئولان اجرای احکام به فکر پادرمیانی برای جلب رضایت اولیای دم شوند. اولیای دم ۲پسر و یک دختر مقتول بودند. آنها زمان وقوع حادثه اعلام کرده بودند که خواسته‌شان قصاص مقتول است و تحت هیچ شرایطی از این خواسته کوتاه نخواهند آمد. با وجود این ۷سال از آن روز تلخ گذشته بود و آنها نیز به آرامش بیشتری دست یافته بودند. در این شرایط رایزنی‌ها با آنها آغاز شد تا اینکه سرانجام آنها اعلام کردند بدون دریافت هیچ دیه‌ای حاضر به بخشش قاتل پدرشان هستند. آنها چند روز قبل در شعبه دوم اجرای احکام در برابر قاضی سیدموسی رضازاده قرار گرفتند و برگه رضایتنامه را امضا و اعلام کردند انگیزه‌شان از این کار فقط رضایت خداست. براساس این گزارش با منتفی شدن اجرای حکم قصاص درباره این متهم، پرونده او برای رسیدگی به جنبه عمومی جرم به دادگاه کیفری فرستاده شد.

نقره‌داغ شدن مأموران قلابی توسط مأموران واقعی

۲مرد شیاد وانمود می‌کردند که مأمور پلیس اماکن هستند و با ادعای رفع پلمب مغازه‌های پلمب شده از مغازه‌داران اخاذی می‌کردند؛ اما در آخرین مورد با هوشیاری صاحب یک رستوران به دام افتادند. به گزارش همشهری، اواخر هفته گذشته صاحب رستورانی در شمال تهران با پلیس تماس گرفت و مدعی شد ۲مأمور قلابی قصد اخاذی از او را داشته‌اند. دقایقی بعد وقتی مأموران پلیس امنیت عمومی خود را به آنجا رساندند مأموران قلابی آنجا را ترک کرده بودند. مرد رستوران‌دار به آنها گفت: رستورانم از مدتی قبل پلمب شده است. امروز این دو نفر درحالی که وانمود می‌کردند مأمور اداره اماکن هستند سراغم آمدند و گفتند در قبال دریافت ۲۵میلیون تومان رستورانم را رفع پلمب می‌کنند اما من به آنها مشکوک شدم و موضوع را گزارش کردم. هرچند مأموران قلابی تلاش کرده بودند ردی از خود به جا نگذارند؛ اما در ادامه با استفاده از تصاویر به‌دست آمده شناسایی و دستگیر شدند. سرهنگ نادر مرادی، معاون نظارت بر اماکن عمومی پلیس امنیت تهران بزرگ در این‌باره گفت: هم‌اکنون متهمان در بازداشت به‌سرمی‌برند و تحقیقات در این‌باره ادامه دارد.

کوتاه از حادثه

ماجرای مرموز کشف جسدی در پارک

یک ماه پس از کشف جسد زنی در یکی از پارک‌های جنوب تهران مأموران پلیس آگاهی زنی را به‌عنوان مظنون بازداشت کردند که گمان می‌رود در این جنایت دست داشته باشد.

به گزارش همشهری، شامگاه ۱۴ تیر به کلانتری ۱۱۷جوادیه راه‌آهن خبر رسید که جسد زنی میانسال در گوشه یکی از پارک‌ها کشف شده است. به این ترتیب ماجرا به قاضی محمدتقی شعبانی، بازپرس شعبه دهم دادسرای امور جنایی تهران گزارش و به دستور او تحقیقات در این خصوص آغاز شد.

اولین نفری که این جسد را دیده و ماجرا را به پلیس گزارش کرده بود مرد بی‌خانمانی بود که در پارک زندگی می‌کرد. او درباره چگونگی کشف این جسد به مأموران گفت: مدتی است که شب‌ها در این پارک می‌خوابم. امشب (شب حادثه) هم در پارک بودم که کنار فنس‌ها بسته‌ای آبی‌رنگ و بزرگ دیدم. کنجکاو شدم و جلو رفتم. یک کیسه آبی رنگ روی آن بود. کیسه را کنار زدم و یک چمدان بزرگ دیدم. با خودم گفتم شاید داخل چمدان وسیله باارزشی باشد و زیپ آن را باز کردم و دیدم که داخلش یک کیسه زباله مشکی رنگ است. همزمان بوی بدی هم از داخل چمدان احساس کردم و متوجه شدم که داخل چمدان یک جنازه است. ترسیدم و فورا با پلیس تماس گرفتم و ماجرا را خبر دادم. این مرد در ادامه گفت: چند دقیقه بعد وقتی مأموران آمدند و کیسه را باز کردند معلوم شد که جسد یک زن داخل چمدان است که به قتل رسیده است.

هیچ اوراق هویتی یا نشانه‌ای که هویت مقتول را نشان دهد همراه او نبود. او دهانش با چسب بسته شده بود و شواهد نشان می‌داد که او در محل دیگری بر اثر خفگی به قتل رسیده و سپس جسدش به پارک منتقل شده است. در این شرایط بود که جسد مقتول برای انجام بررسی‌های بیشتر به پزشکی قانونی منتقل و تحقیقات برای شناسایی عامل این جنایت آغاز شد.

با وجود اینکه مأموران در مراحل اولیه نتوانسته بودند هویت مقتول را شناسایی کنند؛ اما در پزشکی قانونی با بررسی اثر انگشت هویت او روشن شد. از طرفی معلوم شد که خانواده مقتول مدتی قبل مفقود شدن او را به پلیس اطلاع داده بودند. آنها گفتند که این زن که حدود ۷۰سال داشت در کار جمع‌آوری و فروش ضایعات بود و به تنهایی در خانه‌ای زندگی می‌کرد. آنطور که خانواده‌اش می‌گفتند او چندین النگو به ارزش حدود ۱۵۰میلیون تومان داشت که بعد از حادثه مفقود شده بود و همین موضوع نشان می‌داد که این قتل به‌احتمال زیادی با انگیزه سرقت انجام شده است.

در ادامه بررسی‌ها معلوم شد که مقتول آخرین مرتبه با صاحبخانه‌اش دیده شده است. زمانی که صاحبخانه تحت بازجویی قرار گرفت، گفت: من چند روز قبل او را دیدم. می‌گفت می‌خواهد مقداری ضایعات از زنی که در همسایگی مان زندگی می‌کند بخرد. در این شرایط بود که مأموران سراغ این زن رفتند و با مجوز قضایی او را بازداشت کردند. این زن اما دست داشتن در قتل زن مسن را انکار کرد. او گفت: این زن چند روز قبل سراغم آمد تا مقداری ضایعات بخرد. من هرچه داشتم به او دادم و حتی پول هم نگرفتم و بعد از آن هم دیگر از او خبری نداشتم تا اینکه فهمیدم فوت شده است. بعد از آن هم در مراسم تشییع پیکرش شرکت کردم.

براساس این گزارش هم‌اکنون تحقیقات کارآگاهان پلیس برای رازگشایی از این جنایت ادامه دارد.

سارق، ماشین و سرنشینش را دزدید

سارقی که با ایجاد تصادف ساختگی دست به سرقت خودرو می‌زد، در آخرین سرقت ماشینی را با سرنشینش دزدید اما تنها چند ساعت بعد به دام پلیس افتاد.

به‌گزارش همشهری، چند روز پیش مأموران کلانتری۱۲۸ تهران در جریان سرقت یک خودروی سراتو در این منطقه قرار گرفتند و راهی محل سرقت شدند. مالباخته مردی بود که نگرانی در چهره‌اش موج می‌زد و مدعی بود که سارق ماشینش را به همراه دختربچه ۱۲ساله‌اش که داخل ماشین بوده، دزدیده است.

او در ادامه توضیح داد: درحالی که دخترم هم سوار ماشین بود، در حال عبور از خیابان بودم که یک خودروی پراید از پشت سر با ماشینم برخورد کرد. همان لحظه توقف کردم و پیاده شدم که ببینم ماشینم چقدر خسارت دیده است. راننده پراید هم درحالی که عذرخواهی می‌کرد از ماشینش پیاده شد و مرا به عقب ماشین کشاند تا محل تصادف را نشان دهد. اما در یک لحظه به سمت ماشین من دوید، پشت فرمان نشست و اقدام به فرار کرد. این در حالی بود که دختر ۱۲ساله‌ام که داخل ماشین بود، وحشت کرده بود و جیغ می‌کشید.

با اظهارات این مرد و با توجه به حساسیت موضوع، مشخصات خودروی مسروقه به تمامی تیم‌های گشت پلیس اعلام و طرح مهار به اجرا گذاشته شد. تیم‌های گشتی پلیس تمامی خیابان‌های منتهی به محل سرقت را زیرنظر گرفتند تا اینکه دقایقی بعد خودروی مسروقه در یکی از خیابان‌ها مشاهده شد.

سرهنگ جلیل موقوفه‌ای، رئیس پلیس پیشگیری پایتخت، گفت: در یک عملیات منسجم و پلیسی خوشبختانه خودروی مسروقه متوقف و سارق دستگیر و دختربچه ۱۲ساله مالباخته نیز صحیح و سالم تحویل پدرش شد.

وی ادامه داد: با دستگیری متهم که مردی ۵۰ساله است معلوم شد خودروی پرایدی که وی با استفاده از آن اقدام به تصادف ساختگی با خودروی سراتو کرده بود نیز سرقتی است و متهم چند روز قبل آن را با همین شگرد دزدیده بود.

سرهنگ موقوفه‌ای گفت: متهم که مجرمی سابقه‌دار است و تاکنون ۱۰بار به اتهام ارتکاب جرایم مختلف راهی زندان شده است به سرقت‌های سریالی با شگرد تصادف ساختگی اعتراف کرد و معلوم شد که وی هفته گذشته از زندان آزاد شده و به محض آزادی، سرقت‌هایش را از سر گرفته بود که خوشبختانه دستگیر شد و تحقیقات برای کشف دیگر سرقت‌های احتمالی وی ادامه دارد.

ترحیم

انا لله و انا الیه راجعون

با نهایت تأسف به اطلاع کلیه اقوام و دوستان می‌رساند که برادر عزیزمان دکتر **احمد نجات** به ملکوت اعلی پیوست. طبق وصیت آن مرحوم کلیه هزینه‌های ختم و شب هفت و چهلم صرف امور خیریه خواهد شد.

محمود نجات، قاسم نجات، هاشم نجات، محمدمهدی نجات و فامیل‌های وابسته